فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هفتم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۳۹۶
صفحات ۵۹ – ۷۶

حج؛ عرصه همگرایی و واگرایی حسنیان و عباسیان

(از اواخر عهد اموی تا پایان اولین دورهٔ قیام‌های حسنی)

لیلا نجفیان رضوی[۱]

چکیده

مناسک حج در آیین اسلام، فرصتی بی‌بدیل برای تزکیهٔ نفـس انسـان‌ها، مایـهٔ ایجـاد وحدت در امت اسلامی و اثرات سازندهٔ بی‌شمار دیگر است. این فریضهٔ دینی که پیـامبر اسلامﷺ و ائمه‌ﷺ بر انجام آن تأکیدی ویژه داشتند، در زمانی کوتاه پس از درگذشت رسول خداﷺ به ابزاری برای جهت‌دهی به اهداف سیاسی حاکمیت و نیز مخالفـان آن تبدیل شد. تناقض رویکرد عامه مسـلمانان بـه حـج، بـا آن‌چـه هـدف طبقـهٔ حـاکم و گروه‌هـای رقیـب آن از حج‌گـزاری در دوره‌هـای مختلـف تـاریخ اسـلام بـوده، بـرای پژوهشگران حوزهٔ تاریخ، مسئله‌ای تأمل‌برانگیز است. بـا توجـه بـه خیـزش حسـنیان و عباسیان برای کسب قدرت از اواخر خلافت امویان و امکان بهره‌وری آنها از موسم حج در جهت پیشبرد اهدافشان، پژوهش حاضر بر آن است که به روش توصیفی ـ تحلیلـی، به این پرسش اساسی پاسخ دهد که شیوه‌های بهره‌گیری عباسیان و حسنیان، از اواخـر دورهٔ اموی تا پایان اولین دورهٔ قیام‌های سادات حسنی، از موسم حج چگونه بوده است؟ فرضیهٔ مقاله آن است که در اواخر دورهٔ مروانی، موسم حج فرصتی برای دیدار، تجدیـد پیمان و برنامه‌ریزی علیه حاکمیت (عرصهٔ همگرایی دو طیف اقتدارطلب) بود؛ اما پـس از روی کار آمدن عباسیان، به ابزاری برای کنترل فعالیت‌های سیاسی سادات حسـنی از سوی حاکمیت و اغتنام فرصتی برای رازگشایی سیاست انحرافی عباسیان و حتی تمایل به حذف آنان از سوی هواداران حسنیان (واگرایی دو طیف رقیب) بدل شد.

واژگان کلیدی

سادات حسنی، عباسیان، موسم حج، همگرایی، واگرایی.

---

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد. najafian@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۲۶

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

مقدمه

اختصاص آیاتی از قرآن کریم به حج و ابعاد مختلف آن و نیز فراوانی روایات از پیامبر خدا ﷺ و ائمه ﷺ درخصوص این فریضهٔ الهی، حاکی از آن است که تأکید بر انجام این مناسک عبادی در آیین اسلام با اهدافی فراتر از آثار معنوی آن بر اجتماع و فرد فردِ مسلمانان همراه بوده است. گسترش توحید و یکتاپرستی، بی‌رنگ‌شدن جایگاه دنیوی افراد و ایجاد وحدت در امت اسلامی، بخشی کوچک از آثار این مناسکِ ویژه به شمار می‌آید. وجهی دیگر از این امر که در قرآن نیز به آن اشاره شده است، دستاوردهای اقتصادی است که برای ساکنان شبه جزیرهٔ عربستان و حج‌گزاران به همراه داشته است. بنابراین، موسم حج در طول تاریخ، فرصتی بی‌بدیل برای اجتماع مسلمانان جهان اسلام بوده است.

با ایجاد چرخشی در زاویهٔ دید و با مروری بر تاریخ، می‌توان به این نکته نیز پی برد که این عبادت جمعی و مناسک دینی، به شکلی وسیع مورد بهره‌برداری سیاسی قرار می‌گرفته است. حج در قرون نخستین اسلامی، حکمِ رسانه‌ای جمعی را داشته است که حاجیانِ دورترین نقاط سرزمین‌های اسلامی را با مسائل روز جهان اسلام و دغدغه‌های حاکمیت آشنا می‌کرده است. علاوه بر آن، این امکان را برای آنها فراهم می‌آورده است که به کنترل تحرکات و خبرگیری و ارزیابی از عملکرد مخالفان خود بپردازند. البته بهره‌برداری از این مناسک به طبقهٔ حاکم محدود نمی‌شده است و جریان‌های فکری- مذهبی، اصحاب فرق گوناگون، مخالفان تندروی حکومت و نیز علویان، که از جایگاهی ویژه در میان مردم برخوردار بوده‌اند، نیز این ایام را فرصتی مناسب برای ارائهٔ دیدگاه‌های خود، دیدار با رهبران مذهبی و افراد تأثیرگذار- برای جذب حامیان بیشتر- و برنامه‌ریزی برای دستیابی به آمال خود می‌دانسته‌اند.

از میان هاشمیان، بنی‌عباس و سادات حسنی[1]، دو گروه برجسته‌ای بوده‌اند که رقابت

۱. خیزش سادات حسنی- اعقاب امام حسن ﷺ از حسن مثنی- برای کسب قدرت با قبول رهبری معنوی قیام عبدالرحمن‌بن‌محمدبن‌اشعث از سوی حسن مثنی آغاز می‌شود (ابوالعباس حسنی و احمد بن ابراهیم، ۳۸۰). این تغییر رویه در برخورد با طبقهٔ حاکم در کنار افزایش تدریجی دعاوی و مناظرات حسنیان با ائمه ﷺ و حتی شاگردان آنها درخصوص رهبری مسلمانان، فاصله‌گیری تدریجی سادات حسنیِ خواهان قدرت از ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

برای دستیابی به قدرت را از نیمهٔ نخست قرن دوم هجری آغاز کرده‌اند. این امر با رسیدن مقام خلافت به عباسیان از یک‌سو و تشکیل حکومت‌های کوچک و بزرگ توسط سادات حسنی در شرق و غرب جهان اسلام و سلطهٔ آنان بر حرمین شریفین از سوی دیگر، برای قرون متمادی ادامه یافته است. تناقض مطرح‌شده درخصوص آن‌چه عامهٔ مسلمانان از حج با رویکردی دینی انتظار داشته‌اند، با آن‌چه از سوی حاکمیت و گروه‌های رقیب (اهداف سیاسی) به عنوان یکی از اهداف برجستهٔ حج در نظر گرفته می‌شده است، این مسئله را در ذهن ایجاد می‌کند که حج‌گزاری و موسم حج در مناسبات عباسیان و سادات حسنی، در دورهٔ پایانی خلافت اموی[1] تا اتمام اولین قیام‌های حسنی چه جایگاهی داشته است؟

در مقالهٔ حاضر، کوشش شده است تا پاسخ به این مسئله، با طرح این پرسش پی‌گیری شود که در بازهٔ زمانی سال‌های آخر حکومت مروانیان، تا اتمام اولین دورهٔ قیام‌های حسنیان، شیوه‌های بهره‌گیریِ بنی‌عباس و سادات حسنی[2] از موسم حج چگونه بوده است؟ نویسندهٔ مقاله بر این باور است که در اواخر دورهٔ مروانی، بهره‌گیری عباسیان و حسنیان از موسم حج، بیشتر معطوف به برنامه‌ریزی، تحکیم پیمان‌های گذشته و جذب حامی بوده است. (همگرایی دو طیف اقتدارطلب) اما با قدرت‌یابی عباسیان و کوشش آنها برای تثبیت قدرت خود، حج به فرصتی مغتنم برای کنترل فعالیت‌ها و اعمال فشار بر حسنیان از یک‌سو و رازگشایی سیاست انحرافی عباسیان و حتی تمایل به حذف آنان از سوی هواداران حسنیان (واگرایی دو طیف رقیب) تبدیل شده است.

به رغم پژوهش‌های فراوانی که با محوریت ابعاد مختلف حج به رشتهٔ تحریر درآمده

ائمه علیهم‌السلام را در ابعاد سیاسی به دنبال دارد. اوج این انفکاک سیاسی را می‌توان در دورهٔ امامت امام صادق علیه‌السلام دانست؛ دورانی که قیام محمدبن‌عبدالله و برادرش ابراهیم اتفاق می‌افتد و با درخواست این دو برادر حسنی برای همراهی امام با ایشان همراه است (برای کسب اطلاعات بیشتر، نک: نجفیان رضوی، «بررسی چگونگی مناسبات حسنیان و امامان شیعه علیهم‌السلام تا سال ۱۴۵ هجری قمری»، ۱۴۷-۱۶۹).

۱. منظور از عبارت «اواخر دورهٔ امویان»، از مرگ ولیدبن‌یزید تا پایان حکومت امویان در سال ۱۳۲ ه.ق است. در این دوره، فعالیت‌های سیاسی مخالفان حاکمیت بیشتر شده است.

۲. منظور از سادات حسنی در این مقاله، اعقاب امام حسن مجتبی علیه‌السلام از نسل حسن مثنی هستند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

است، درخصوص مسئلهٔ مقالهٔ حاضر، پیشینه‌ای وجود ندارد. در این تحقیق ابتدا به شیوه‌های بهره‌گیری حسنیان و بنی‌عباس از موسم حج در دورهٔ اموی توجه شده است و سپس کوشش شده تا در دو بخش مجزا، نحوهٔ استفادهٔ عباسیان و کارگزاران آنها و نیز سادات حسنی از موسم حج تا پایان اولین دورهٔ قیام‌های حسنیان مورد بررسی قرار گیرد.

الف) همگرایی و تلاش برای تحکیم و توسعهٔ روابط

بهره‌گیری از فرصت‌های مناسب موسم حج برای ایجاد همگرایی هرچه بیشتر در جامعهٔ اسلامی، یکی از اهداف مهم حاکمان و رهبران اجتماعی در ادوار مختلف تاریخی بوده و دورهٔ مورد بحث نیز از این امر مستثنی نیست. اگرچه مراجعه به منابع و داده‌های باقیمانده، اطلاعات اندکی را درخصوص شیوه‌های بهره‌گیری حسنیان و بزرگان عباسی از این ایام در اختیار پژوهنده قرار داده و گاه گزارش‌های نقل‌شده به یک خبر ختم می‌شود؛ اما داده‌های محدودِ موجود نیز این امکان را فراهم می‌آورند تا بهره‌گیریِ این گروه‌های رقیب از ایام حج را در قالب دو عنوان مستقل مورد بررسی قرار دهیم: «حج؛ دیدار، برنامه‌ریزی و تحکیم پیمان‌ها» و «موسم حج و کوشش در جهت جذب حامیان بیشتر».

۱. حج؛ دیدار، برنامه‌ریزی و تحکیم پیمان‌ها

بسیاری از مؤلفان قرون متقدم اسلامی، در بیان اخبار وقایعِ پس از قتل ولیدبن‌یزید در سال ۱۲۶ ه.ق، به نشستی با حضور بزرگان هاشمی اشاره کرده‌اند (بلاذری، ۳۰۶/۳؛ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۲۲۴–۲۲۷ و ۱۸۵–۱۸۶؛ مجهول المؤلف، العیون و الحدائق فی اخبار الحقایق، ۲۳۱/۳؛ شیخ مفید، ۱۹۱/۲). مؤلفان بعدی نیز به تبع آنان به این نشست اشاراتی داشته‌اند (ابن‌طقطقی، الفخری فی آداب السلطانیه والدول الاسلامیه، ۱۶۴–۱۶۵؛ راوندی، ۷۶۵/۲–۷۶۶؛ ابن‌عنبه، ۱۰۴) و محققان معاصر نیز در آثار خود درخصوص ابعاد مختلف این نشست، اظهارنظرهای متفاوتی نموده‌اند (الوجیه، ۹۱۸؛ شامی، ۱۱۳؛ حسن، ۲/ ۱۰۷؛ الغریری، ۵۲۹–۵۳۰؛ النجم، ۱۹۹–۲۰۱؛ الساعدی، ۶۶؛ فوزی، ۱۰۶؛ المسند، ۷۷–۸۰). برخی محل برگزاری این گردهمایی را ابواء– آبادی‌ای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

از توابع مدینه و بر سر راه مدینه به مکه (حموی، ۷۹/۱)- نقل کرده‌اند و برخی دیگر بدون ذکر محل این نشست، به محتوا و هدف آن اشاره نموده‌اند. با توجه به سه نکته، یعنی حضور بزرگان عباسی،[۱] سادات حسنی و حامیان آنها[۲] در این نشست و همچنین وجود گزارش‌هایی مبنی بر دعوت از امام صادق علیه‌السلام برای شرکت در این گردهمایی؛ پراکندگی محل سکونت این افراد، (حضور علویان در مدینه و عباسیان در حمیمهٔ شام)؛ و نامی که این گردهمایی با آن مشهور شده است (بیعت ابواء)، می‌توان این احتمال را پذیرفت که این نشست در ایام حج و در نزدیکی مدینه (ابواء) انجام شده است. از آن‌جا که بنا بر گزارش‌های موجود، این گردهمایی در زمانی صورت گرفته است که مدت‌ها از آغاز دعوت سرّی عباسیان و نیز تبلیغات عبدالله محض برای فرزندش محمد می‌گذشته است، به نظر می‌رسد که حضور در این نشست از سوی عباسیان با هدف انحراف توجه امویان از فعالیت‌های‌شان؛ و حضور سادات حسنی با هدف بیعت‌گرفتن برای محمدبن‌عبدالله- به عنوان رهبر فعالیت‌های هاشمیان- بوده است (نجفیان رضوی، حیات سیاسی حسنیان تا سال ۱۴۵ هجری، ۱۱۵-۱۲۸؛ الهی‌زاده، ۱۰۱-۱۱۴). صرف‌نظر از اهداف این نشست، گزارش‌های موجود درخصوص نفس وجود چنین مجالسی در ضمن حج‌گزاری، نشان‌دهندهٔ فعالیت گروه‌های مخالف با حاکمیت در موسم حج، برای برنامه‌ریزی در جهت تحقق آرمان‌های‌شان است.

وجود گزارش‌هایی دیگر از اواخر دورهٔ امویان، حاکی از آن است که نشست‌های بزرگان هاشمی در ایام حج منحصر به نشست ابواء نبوده و حج فرصتی مناسب برای تجدید دیدار و تأکید بر پیمان‌های گذشته بوده است. گزارش موجود در کتاب «اخبار الدوله العباسیه»، به صراحت به نشست دیگرِ این بزرگان در دوران خلافت مروان‌بن‌محمد، در سال ۱۲۹ ه.ق در مکه اشاره دارد (مجهول المؤلف، اخبار الدوله العباسیه، ۳۸۵)، که بدون رسیدن به تصمیمی مشخص، پایان یافته است (همو، ۳۸۵-

۱. ابوالعباس (سفاح)، ابراهیم امام، عبدالله‌بن‌محمد (منصور)، صالح‌بن‌علی‌بن‌عبدالله‌بن‌عباس و برادرش عبدالصمد در این نشست حضور داشته‌اند (اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۱۸۵-۱۸۶ و ۲۲۴-۲۲۶).

۲. علاوه بر عبدالله محض و دو پسرش محمد و ابراهیم، محمدبن‌عبدالله عثمانی نیز در این نشست حضور داشته است (همو، ۱۸۵؛ مفید، ۱۹۱/۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

۳۸۶؛ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۲۲۷).

اما شواهد حاکی از آن است که هاشمیان نشست‌های دیگری نیز در موسم حج داشته‌اند و در آنها بر بیعت‌های گذشته تأکید می‌شده است. برای نمونه، طبری در خبری به نقل از محمدبن‌عبدالله محض آورده است که در زمان آشفتگی کار بنی‌مروان، بنی‌هاشم شبانگاه برای بیعت با یکی از بزرگان خود در مکه نشستی مشورتی تشکیل دادند. ابوجعفر نیز از جمله کسانی بود که در آن جمع حاضر بود و با من برای این امر بیعت کرد (طبری، ۵۱۷/۷؛ مسکویه رازی،۳۷۹/۳). یزیدبن‌محمد ازدی در «تاریخ موصل» نیز گفت‌وگوی منصور را با عثمان‌بن‌محمدبن‌زبیر، پس از سرکوبی قیام محمد و دستگیری او- که از اصحاب برجستهٔ نفس زکیه بود- شرح داده است. وی اعتراض منصور به خروجش با محمد را این‌گونه پاسخ داده است که من و تو در مکه با محمد بیعت کردیم. تو به عهد خود وفا نکردی؛ ولی من وفا کردم (ازدی، ۱۹۰). افزون بر روایات فوق، اصفهانی نیز در خبری از عبدالله جهنی آورده است که ابوجعفر منصور دوانیقی، دوبار با محمدبن‌عبدالله بیعت کرده است که یکی از آنها در مکه و در مسجدالحرام بوده است (اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۱۸۸).

با مروری بر گزارش‌های موجود در منابع، می‌توان دریافت که گردهمایی بزرگ حج‌گزاران، این امکان را نیز برای مخالفان طبقهٔ حاکم فراهم می‌آورده است که علاوه بر دیدار با رهبران خود، گزارشی از فعالیت‌های خود و میزان گسترش احتمالی آن را به ایشان عرضه نموده و اسامی بیعت‌کنندگان یا حمایت‌های مالی هواداران را به آنها برسانند. روایات موجود در کتاب اخبار الدوله العباسیه و مقاتل الطالبیین، بیانگر این نکته هستند که در حج سال ۱۲۹ ه.ق، علاوه بر آن‌که اخبارِ بیعت خراسانیان به ابراهیم امام رسیده (مجهول المؤلف، اخبار الدوله العباسیه، ۳۸۶؛ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۲۲۷)، اموالی نیز از خراسان توسط قحطبه برای او آورده شده است (مجهول المؤلف، همو، ۳۸۷-۳۸۸). نکتهٔ حائز اهمیتی که در ادامهٔ این گزارش‌ها آمده، آن است که این اخبار و فعالیت‌ها از نظر عبدالله محض دور نمانده است و در نهایت انکار ابراهیم امام درخصوص دریافتِ اموال خراسانیان و نیز به تأخیرانداختن تصمیم‌گیری شفاف درخصوص رهبری حرکت هاشمیان (در مجلسی که به دنبال نگرانی عبدالله محض از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

فعالیت‌های مخفیانهٔ عباسیان، پس از اتمام مناسک حج در مدینه برپا شده است)، موجبات پایان‌یافتن اتحاد شکنندهٔ حسنی- عباسی را فراهم آورده است.[1]

۲. موسم حج و کوشش در جهت جذب حامیان بیشتر

علاوه بر آن‌که بسیاری از گزارش‌های پیشین درخصوص برگزاری نشست‌های مختلف در مکه یا مدینه در موسم حج را می‌توان در راستای بیعت‌گیری از حضار جدید و جذب حامیان بیشتر دانست، روایت یکه‌ای در کتاب «امالی» سید مرتضی وجود دارد که احتمالاً بر دوران پس از شکستِ اتحاد حسنی- عباسی در اواخر دوران امویان دلالت دارد. در این خبر آمده است که محمد و ابراهیم، فرزندان عبدالله محض، از کسانی بودند که واصل، ایشان را به سوی قول و سخن همراه با عدل و توحید دعوت کرد و ایشان دعوت او را پذیرفتند. این دعوت زمانی بود که واصل به حج رفت و مردم مکه و مدینه را به خود دعوت کرد (شریف مرتضی، ۱۶۹/۱). پذیرش این دعوت از سوی فرزندان عبدالله محض، روشن می‌سازد که چگونه سادات حسنی نیز از موسم حج برای گسترش حامیان خود و اتحاد با رهبران جریان‌های فکری بهره می‌گرفته‌اند.

پس از سقوط امویان و انتقال قدرت به بنی‌عباس، روابط خلفای عباسی با سادات حسنی وارد مرحله‌ای تازه شد. ابوالعباس سفاح با دعوت بزرگان حسنی به انبار برای بیعت (مجهول المؤلف، العیون و الحدائق، ۲۳۲/۳)، بذل و بخشش فراوان به آنان و همراهان‌شان در هنگام بازگشت (ابن‌سعد، ۳۸۶/۵؛ نمیری، ۲۲۲) و رضایت‌دادن به بیعت محمد و ابراهیم از مدینه با او؛[2] ضمن کوشش برای جلب نظر حسنیان، در

۱. در کتاب اخبار الدوله العباسیه آمده است که مروان پس از دریافت اخبار نشست مذکور، با این احتمال که چون عبدالله بزرگ آن خاندان است، در جلسه بر سر او توافق شده است، او را به نزد خود در حران فراخواند؛ اما عبدالله ضمن انکار این امر، اخباری را که در خصوص فعالیت ابراهیم امام دریافت کرده بود، به اطلاع مروان رسانید (۳۸۸-۳۸۹). به دنبال آن بود که مروان، ابراهیم امام را به حران فراخواند و نامهٔ عبدالله‌بن‌حسن را به دست او داد. ابراهیم امام چون به آن نگاه کرد، خط عبدالله را شناخت و پس از مرور نامه، آن را تکذیب کرد و انجام حرکت‌های ضدحکومتی را به عبدالله‌بن‌حسن و فرزندش محمد نسبت داد. با این حال، مروان او را در زندان حبس نمود و ابراهیم پس از زمانی کوتاه در حبس مروان درگذشت (همو، ۳۹۴-۳۹۵).

۲. عبدالله‌بن‌حسن به همراه جمعی از اهل مدینه به نزد سفاح در انبار رفته و در آن‌جا با او بیعت کردند ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

شرایطی خاص نیز تسلط خود بر اوضاع و آگاهی‌اش از فعالیت‌های پنهانی محمد را بـه آنان گوشزد کرد.[1] با این‌حال، در دورهٔ خلافت او احترام متقابل میـان دو طـرف، حـاکم بود و تنها گاه عملکردهای منصور، برادر خلیفه، از نگرانی عباسیان از عملکـرد سـادات حسنی در مدینه پرده برمی‌داشت؛[2] اما با روی کار آمـدن منصـور عباسـی، مناسـبات دو رقیب کهن تغییر کرد و ابوجعفر کوشید تا از هـر شـرایطی بـرای تحقیـق در خصـوص فرزندان عبدالله محض و متقاعد کردن آنها به ظهور و بیعت با خلیفه بهره گیرد. با توجه به فاصلهٔ مرکز خلافت عباسیان از مدینه، کانون فعالیت حسنیان، حج بهترین بهانه بـرای پیگیری اوضاع و اعمال فشار بر بزرگان حسنی، برای اطاعت کامـل از خلیفـه و تثبیـت اقتدار عباسیان بود.

در ادامه به برخی از شیوه‌های بهره‌گیری منصور عباسـی از موسـم حـج، بـه منظـور کنترل اوضاع و ممانعت از گسترش فعالیت‌های حسنیان، اشاره شده است. در انتهـا نیـز معدود اخبار موجود از فعالیت حسنیان در این دوران، در ضمن برگزاری مناسک حـج، آمده است.

ب) آغاز واگرایی عباسیان و حسنیان

اصرار بر حضور بزرگان دینی و اجتماعی در مکه و مشارکت در مناسک حج- که به گونه‌ای نشان پای‌بندی آنان به ارزش‌هـای دینـی و فرصـتی بـرای عرضـهٔ خـویش بـه پیروانشان بوده- موجب می‌شد تا حسنیان به‌رغم ناسـازگاری‌هـای سیاسـی بـا دسـتگاه حاکمیت و وجود احتمال خطر، از آن نگذرند؛ امری که عباسیان بـه خـوبی از آن آگـاه بوده و با استفاده از فرصت‌ها، به طراحی برنامه‌هایی برای کنترل اوضاع می‌پرداختند.

(ابن‌عساکر، ۲۳۵/۲۹)؛ اما محمد و ابراهیم به نزد سفاح نرفتند. سفاح نیز رضـایت داد کـه آنـان از مدینـه بـا او بیعت کنند (بلاذری، ۳۰۸/۳).

۱. سفاح در ورای این دعوت برای بیعت، به دنبال فرصت‌هایی بود تـا در خصـوص محمـد و ابـراهیم از عبـدالله سؤال کند؛ اما چون پاسخی مطلوب دریافت نکرد، او را متهم نمود که خود از آمدن فرزندانش جلوگیری کـرده است (نک: ابن‌طقطقی، الاصیلی، ۱۲۱-۱۲۲). در نهایت نیز او با نشان‌دادن نامهٔ محمـد بـه عبـدالله محـض، کـه برای هشام‌بن‌عمروبن‌بسطام تغلبی نوشته و او را به دعوت فراخوانده بود، آگاهی خـود از فعالیـت‌هـای پنهـانی محمد را به پدرش گوشزد کرد (اصفهانی، الاغانی، ۱۳۲/۲۱).

۲. در ادامه به عملکرد منصور در مدینه در سال ۱۳۶ ه.ق که امارت حج را برعهده داشت، اشاره شده است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

۱. کسب اطلاع از فعالیت حسنیان

بنابر گزارش‌های موجود در منابع، سفاح امارت حج را در سال ۱۳۶ ه.ق به برادرش منصور واگذار کرد. ابوجعفر به مدینه رفت و با بزرگان آن شهر دیدار نمود. در این دیدار، از عبدالله‌بن‌حسن دربارهٔ محمد و ابراهیم سؤال کرد. اظهار بی‌اطلاعیِ عبدالله از عملکرد آنها، پاسخی نبود که منصور را متقاعد نماید. ازاین‌رو، صحبتش دربارهٔ آنان را از سر گرفت تا این‌که کلام‌شان به خشونت و تندی کشید. در فضای ایجادشده، زیادبن‌عبدالله حارثی، حاکم مدینه، با ضمانت دستگیرنمودن فرزندان عبدالله، وی را از خشم منصور و اطرافیانش رهانید و به این گفت‌وگو خاتمه داد (اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۱۹۱؛ طبری، ۵۲۲/۷–۵۲۳).

استفاده از این شیوهٔ خبرگیری، در دوران خلافت منصور عباسی نیز ادامه می‌یابد. طبری در اخبار وقایع سال ۱۳۸ ه.ق آورده است که منصور عباسی در این سال، فضل‌بن‌صالح‌بن‌علی را امیرالحاج کرد و به او سفارش نمود که اگر چشمش به محمد و ابراهیم، پسران عبدالله‌بن‌حسن افتاد، آنها را از نظر دور ندارد. بااین‌حال، از او خواست که اگر آنها را ندید نیز در این خصوص پرسشی نکند. زمانی‌که فضل‌بن‌صالح به مدینه رسید، عبدالله‌بن‌حسن و دیگر فرزندانش– جز محمد و ابراهیم– به همراه دیگران به پیشواز او رفتند؛ اما او برخلاف توصیهٔ خلیفه، دربارهٔ دلیل غیبت دو فرزند عبدالله سؤال کرد. عبدالله پرسش او را با این بیانات که نیامدنشان از روی بددلی و بدخواهی نبوده است، به شکار و تعقیب آن دل‌بسته‌اند و در خیر یا شر کسان خود نیز حضور پیدا نمی‌کنند (طبری، ۵۲۰/۷–۵۲۱)، پاسخ گفت و غیبت فرزندانش را توجیه کرد.

۲. مواجهه سخت با حسنیان؛ حبس، شکنجه و انتقال به کوفه

در فاصلهٔ زمانی آغاز خلافت منصور عباسی تا قیام محمدبن‌عبدالله و برادرش ابراهیم، منصور تمام کوشش خود را به کار برد تا از قیام این دو برادر جلوگیری کند. تغییر حاکمان مدینه، بهره‌گیری از جاسوسانی در کسوت‌های مختلف و ضبط اموالِ بخشیده‌شده به حسنیان، بخشی از سیاست‌های دومین خلیفهٔ عباسی برای مقابله با حسنیان و ادعاهای آنها بود (نجفیان رضوی، حیات سیاسی حسنیان تا سال ۱۴۵ هجری، ۱۳۶–۱۶۱). نتیجه‌ندادن این اقدامات، باعث شد تا شخص خلیفه امارت حج را

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

در سال ۱۴۰ ه.ق بر عهده گیرد و در ضمن حج‌گزاری و دیدار با مدنیان، مترصد فرصتی باشد تا با دستگیری عبدالله محض، در رهبری و تدارک مقدماتِ قیام محمد و ابراهیم اختلال ایجاد کند؛ چراکه اخبار جاسوسان، او را به قطع رسانده بود که در رأس این حرکت، عبدالله‌بن‌حسن قرار دارد و آزادی عمل او با کوشش برای کنترل و مهار فعالیت حسنیان متناقض است. در منابع متقدم، روایات گوناگونی از چگونگی دستگیرشدن عبدالله محض آمده است. برخی این امر را نتیجهٔ روبه‌رو کردن عبدالله محض با جاسوس منصور در مجلسی در اوطاس (حموی، ۲۸۱/۱)- در راه مکه- خوانده‌اند (طبری، ۵۲۳/۷-۵۲۵؛ اصفهانی، الاغانی، ۱۳۵/۲۱ و ۱۹۲). برخی نیز آن را حاصل مشاجرهٔ منصور و عبدالله در ایام حج سال ۱۴۰ ه.ق دانسته‌اند (اصفهانی، همان، ۱۳۴؛ ابن‌کثیر، ۸۱/۱۰) و برخی دیگر این واقعه را به دیدار منصور با زیادبن‌عبدالله حارثی در مدینه، در ضمن حج سال ۱۴۰ ه.ق و بازخواست شدید خلیفه از او درخصوص عملکردش در قبال محمد و ابراهیم ارتباط داده‌اند. گروه اخیر معتقدند که ضمن این دیدار، منصور دستور زندانی‌کردن عبدالله محض را صادر کرده است (بلاذری، ۳۱۱/۳؛ مجهول المؤلف، العیون والحدائق، ۲۳۳/۳-۲۳۴).

صرف‌نظر از چگونگی این اقدام، مهم آن است که خلیفهٔ عباسی از موسم حج به عنوان سرپوشی برای اقدام در دستگیری یکی از علویان برجستهٔ زمانهٔ خود بهره برده و کوشیده است تا از این رهگذر، دشوارترین قیامی را مهار نماید که جذب حامیان آن، با زیر سؤال بردن اساس مشروعیت و حقانیت عباسیان برای رهبری جامعهٔ اسلامی همراه بوده است. علاوه بر آن، این اقدام منصور را می‌توان سرآغازی برای علنی‌شدن اختلاف‌های عباسیان و سادات حسنی دانست. با این حال، نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که دستگیری عبدالله محض و ایجاد اختلال در رهبری قیام حسنیان، سودی دوجانبه برای خلیفهٔ عباسی دربر داشته است: یا از قیام فرزندان عبدالله محض جلوگیری کرده و ظهور و تسلیم‌شدن آنان را به دنبال داشت (آن‌چه که منصور به دنبال آن بود)؛ و یا فشار ناشی از آن، قیامی پیش از موعد را باعث می‌شده که مقابله با آن سهل‌تر از قیامی سازمان‌داده‌شده بود و تمام اینها دستاوردهایی به شمار می‌رفت که در پناه موسم حج برای عباسیان به دست می‌آمد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

به نظر می‌رسد که ادامهٔ تحرکات حسنیان پس از دستگیری عبدالله‌بن‌حسن و نگرانی منصور از مواجهه با قیامی جبران‌ناپذیر، باعث شده است که خلیفه دستور دستگیری سایر سادات حسنیِ مستقر در مدینه و برخی از حامیان آنها را نیز صادر کند و اقبال خویش برای ظهور محمد و ابراهیم و تسلیم‌شدن آنان در مقابل خواستهٔ خود را بیازماید (طبری، ۵۳۶/۷-۵۳۷)؛ اما چون این اعمال فشار نیز مؤثر واقع نمی‌شود، بار دیگر منصور عباسی خود امارت حج را در سال ۱۴۴ ه.ق برعهده می‌گیرد و پس از پایان مراسم حج - بدون ورود به مدینه و با حضور در ربذه (حموی، ۲۴/۳)- از ریاح‌بن‌عثمان، حاکم مدینه، می‌خواهد تا حسنیان و برخی از حامیان آنها را به نزد او ببرد (سبط‌بن‌جوزی، ۱۹۷-۱۹۸). منابع به‌طور مبسوط به شدت عمل منصور عباسی با حسنیان و حامیان آنها در ربذه و چگونگی انتقال حسنیان به کوفه و زندان هاشمیه اشاره کرده‌اند (طبری، ۵۴۱/۷-۵۵۱؛ مسعودی، ۲۹۸/۳-۲۹۹). مطالعهٔ گزارش‌های موجود، این امر را در ذهن خواننده متبادر می‌سازد که منصور با عهده‌داری حج در این سال، سختگیری فراوان بر حسنیان و حتی حامیان آنها در ربذه و انتقال سادات حسنی و برخی از نزدیکان آنها در شرایطی نامطلوب به کوفه، به دنبال آن بوده است که نتیجهٔ حمایت از قیام فرزندان عبدالله محض را به مدنیان و مردمِ قبایل اطراف آن گوشزد نماید. ضمن آن‌که این اقدامات می‌تواند این مضمون را نیز در خود داشته باشد که خلیفهٔ عباسی هنوز به ظهور محمد و ابراهیم در پسِ این اعمال فشارها، امیدوار بوده و اهداف سیاسی خود را از این حج‌گزاری دنبال می‌کرده است.

۳. بهره‌گیری از عنصر تطمیع رهبر حسنیان

با توجه به جایگاه حسنیان در میان مردم و آگاهی افراد زیادی از بیعت منصور عباسی با محمدبن‌عبدالله در دوران بنی‌امیه، به نظر می‌رسد که کم‌هزینه‌ترین راه برای منصور، کوشش در جهت جلب نظر حسنیان و تطمیع آنها با وعدهٔ امان و برخورداری سیاسی- اقتصادی بوده است. کارآمدی این شیوه و تأثیرگزاری بیشتر این پیشنهاد به بودنِ رهبرانِ این دو رقیب کهن (منصور و عبدالله محض) در کنار یک‌دیگر وابسته بوده و بی‌شک بهترین فرصت برای این نزدیکی ایام حج بوده است.[۱] در این خصوص

۱. منصور عباسی پیش از بهره‌گیری از شیوهٔ ملاقات مستقیم در ایام حج، از مکاتبه نیز برای تطمیع عبدالله محض ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

می‌توان به بخشی از گزارش اصفهانی درخصوص ملاقات عبدالله محض و منصور در ضمن حج سال ۱۴۰ ه.ق اشاره کرد. در این گزارش آمده است: زمانی که منصور در راه مکه در اوطاس، به همراه عبدالله‌بن‌حسن و ابوالکرام و جمعی از بنی‌عباس غذا می‌خورد، عبدالله را مخاطب قرار داد و به او گفت که ای ابامحمد! می‌بینم که محمد و ابراهیم از من دوری می‌کنند؛ دوست دارم با من مأنوس باشند و پیش من آیند تا به آنها پاداش دهم و با آنها ارتباط برقرار کنم. در ادامهٔ روایت آمده است که عبدالله سکوتی طولانی نمود و سپس در پاسخ به منصور سوگند یاد کرد که از آنها و محل اختفای‌شان اطلاعی ندارد (اصفهانی، الاغانی، ۱۳۵/۲۱).

علاوه بر آن، درخصوص بهره‌گیری خلیفهٔ عباسی از این شیوه، می‌توان به این خبر موجود در منابع استناد کرد: هنگامی‌که منصور در سال ۱۴۴ ه.ق عازم حج شد، به مدینه نرفت؛ اما نمایندگانی را از سوی خود برای مذاکره به نزد عبدالله محض فرستاد. اگرچه منابع به متن مفصل گفت‌وگوهای میان عبدالله و نمایندگان، که در جمع آنها عیسی‌بن‌موسی نیز حضور داشته، اشاره‌ای نکرده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که منصور می‌کوشیده است تا پیش از آشکارنمودن شدت عمل خود درخصوص حسنیان، با فراخوانی آنها به ربذه و انتقال آنان به زندان هاشمیه، اقبال خود را برای همسو کردن عبدالله با اهداف خود بیازماید؛ چراکه در بخشی از این خبر آمده است که منصور توسط نمایندگان اعزامی خود از عبدالله خواست که فرزندش را آشکار کند و در مقابل، هر میثاق و عهدی که می‌خواهد از خلیفه بگیرد. بنابراین، مذاکره‌کنندگان با پیشنهادی طمع‌برانگیز به سوی رهبرِ حرکت سادات حسنی گسیل شده‌اند و منصور با دل‌بستن به نتیجهٔ آن ملاقات، تصمیم نهایی خود دربارهٔ حسنیان را تا بازگشت از حج به تأخیر انداخته است. تدبیری که با درخواست ملاقات و گفت‌وگوی عبدالله محض با خلیفه و مشروط‌شدن آن به ظهور و تسلیم‌شدنِ محمد و ابراهیم از سوی منصور، بی‌ثمر گشت. (بلاذری، ۳۱۶/۳؛ ابن‌اثیر، ۵۲۳/۵-۵۲۴)

یاری جست. نرم‌خویی او تا بدانجا بود که عبدالله درخصوص ظهور و بردن فرزندانش به نزد منصور با عموی او، سلیمان‌بن‌علی مشورت کرد (نک: ابن‌اثیر، ۵۱۴/۵؛ برای اطلاع از متن نامه‌ها، نک: ابن‌عبدربه، ۷۵/۵-۷۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

٤. ناسازگاری حسنیان؛ همگرایی در ظاهر، واگرایی در عمل

با مروری بر مناسبات حسنیان و عباسیان در دورهٔ قدرت بنی‌عباس، می‌توان دریافت که روابط این دو گروهِ مدعی خلافت به تدریج تیره شده و تا بدانجا پیش رفته است که تعداد قابل توجهی از بزرگان حسنی در حبس منصور درگذشته‌اند. با توجه به روابط مسالمت‌آمیز حسنیان با خاندان عباسی در آغاز قدرت‌یابی بنی‌عباس، مخفی‌بودن محمد و ابراهیم و دستگیرشدن عبدالله محض در سال‌های آغازین حکومت منصور عباسی، اطلاعات اندکی از نحوهٔ بهره‌گیری این گروه از علویان از موسم حج، در سیر سیاست‌گزاری آنها برای قیام وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد.

در منابع، به امیرالحاجی داوودبن‌علی در نخستین سال قدرت‌یابی عباسیان (۱۳۲ ه.ق) اشاره شده است (خلیفه‌بن‌خیاط، ۲۶۸)؛ اما ابن‌ابی‌الحدید به دنبال این خبر، آورده است که عبدالله‌بن‌حسن، حسن مثلث و محمدبن‌عبدالله عثمانی، برادر مادری عبدالله محض، داوودبن‌علی را در بازگشت از مکه به مدینه همراهی می‌کردند (ابن‌ابی‌الحدید، ۹۷/۷). ادامهٔ روایت ابن‌ابی‌الحدید، مدنظر پژوهش حاضر نیست؛ اما بخشِ نخستینِ آن آشکار می‌سازد که حسنیان می‌کوشیده‌اند پس از انتقال قدرت به عباسیان، سرسپردگی ظاهری خود به حاکمان جدید و تبعیت از آنها را برجسته سازند و همراهی با امیرالحاج منتخبِ خلیفه، یکی از این راه‌ها بوده است. این تبعیت ظاهری حتی در سال‌های بعد نیز ادامه می‌یابد، چنان‌که برخی منابع ـ همان‌طورکه پیشتر اشاره شد ـ مشاجرهٔ منصور با عبدالله محض را که به دستگیری عبدالله منجر شد، ضمن همراهی او با منصور عباسی در حج سال ۱۴۰ ه.ق دانسته‌اند (طبری، ۵۲۳/۷–۵۲۵؛ اصفهانی، الاغانی، ۱۳۵/۲۱ و ۱۹۲).

شاید نتوان به صورت مستقیم خبر موجود در منابع درخصوص اتفاق یارانِ محمد نفس زکیه برای ترور منصور عباسی را در ضمن انجام مناسک حج در سال ۱۴۰ ه.ق در میان شیوه‌های بهره‌گیری حسنیان از موسم حج قرار داد؛[1] اما مروری بر این خبر،

۱. طبری نقل کرده است که در سال ۱۴۰ ه.ق، منصور عباسی به حج رفت. در آن سال محمد و ابراهیم نیز به حج آمدند. جمعی از یاران محمد به سرکردگی عبدالله‌بن‌محمد اشتر بر آن شدند که ابوجعفر را غافلگیر کرده و بکشند؛ اما محمد کشتن او را به تغافل و بدون دعوت به سوی خود روا ندانست. بنابراین، آن‌چه بر آن اتفاق ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

آشکارکنندهٔ این امر است که چگونه حج فرصتی بی‌نظیر در اختیار مخالفان حاکمیت و حامیان آنها قرار می‌داده است تا از روش‌های نرم، همچون دعوت به همکاری و بیعت تا روش‌های سخت، همانند قتل و حذف فیزیکی رقبای خود بهره گیرند. در پایان نیز می‌توان این نکته را افزود که موسم حج فرصتی در اختیار حامیان قیام‌های محمد و ابراهیم حسنی قرار داد تا در پناه آن از خلفای عباسی امان گیرند. منابع، نام موسی‌بن‌عبدالله محض را در زمرهٔ این افراد قرار داده‌اند (ابن‌عنبه، ۱۱۲؛ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ۳۳۶).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر حاکی از آن است که عباسیان و سادات حسنیِ خواهان قدرت نیز مانند دیگر گروه‌های فعال سیاسی، از موسم حج به عنوان فرصتی برای دستیابی به اهداف خود بهره می‌گرفته‌اند. درخصوص جایگاه حج در مناسباتِ این دو رقیب کهن، می‌توان از دو بخش مجزا از یک‌دیگر نام برد: دورهٔ اموی، که با اتحاد شکنندهٔ حسنی–عباسی در موسم حج آغاز می‌شود و تا انفصال و بدگویی رهبرِ هریک از این دو گروه (ابراهیم امام و عبدالله محض) و افشای اعمال ضدحکومتی دیگری، با توجه به رخدادهای موسم حج سال ۱۲۹ ه.ق پیش می‌رود؛ اما در همین ایام و اندکی پس از آن تا پایان دورهٔ اموی، هریک از طرفین از این فرصت برای اطلاع از وضعیت گروندگان به دعوت، دریافت هدایای هواداران و جذب حامیان نیز استفاده می‌برند.

در دورهٔ عباسی، با توجه به قدرت‌یابی عباسیان و بهره‌گیری آنها از تمام امکانات موجود در جهت کنترل و حذف رقیب، موسم حج به فرصتی برای خبرگیری از فعالیت سادات حسنی، دستگیری رهبر و دیگر بزرگان مؤثر در این حرکت، کوشش برای تطمیع حسنیان و همراه‌سازی آنها با حاکمیت تبدیل می‌شود. در نهایت نیز انتقال سادات حسنی و حامیان مؤثرِ آنها به کوفه و زندان هاشمیه و اِعمال فشار حداکثری بر محمد و ابراهیم، اتفاقی است که ضمن حج‌گزاری منصور عباسی در سال ۱۴۴ ه.ق رقم می خورد؛ اما حسنیان در ابتدای این دوره می‌کوشند تا در ظاهر، تابعیت حداکثری خود

کرده بودند، سر نگرفت (۵۲۵/۷–۵۲۶).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

را از خلفای عباسی اعلام دارند که این امر در همراهی آنهـا در حـج سـال ۱۳۲ و ۱۴۰ ه.ق متبلور می‌شود. اگرچه اقدام منصور عباسی در دستگیری عبدالله محض ضمن گـذر او از مدینه برای حج‌گزاری در سـال ۱۴۰ ه.ق، نقشـهٔ تـرور خلیفـه را توسـط حامیـان محمدبن‌عبدالله در حین انجام مناسک حج رقم می‌زند؛ اما در نهایت باور محمد به لزوم دعوت منصور به خود، او را از حذفی فیزیکی از سوی هوادارانِ رقیبی برجسته، رهـایی می‌بخشد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

منابع

ـ ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵.

ـ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، ۱۹۷۹.

ـ ابن‌سعد، *الطبقات الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.

ـ ابن‌طقطقی، محمدبن‌علی‌بن‌طباطبا، الاصیلی فی انساب الطالبیین، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۱۸ق.

ـ ابن‌طقطقی، محمدبن‌علی‌بن‌طباطبا، *الفخری فی آداب السلطانیه و الدول الاسلامیه*، بی‌جا: شریف رضی، ۱۴۱۴ق.

ـ ابن‌عبدربه، *عقد الفرید*، بیروت: دار و مکتبه الهلال، ۱۴۱۹ق.

ـ ابن‌عساکر، *تاریخ دمشق*، تحقیق علی عاشور الجنوبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۱م.

ـ ابن‌عنبه، عمده *الطالب فی انساب آل ابی‌طالب*، قم: انتشارات الرضی، ۱۳۶۲ش.

ـ ابن‌کثیر، *البدایه و النهایه*، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۷ق.

ـ ابوالعباس حسنی، احمدبن‌ابراهیم، *المصابیح*، عمان: موسسهٔ امام زیدبن‌علی الثقافیه، ۱۴۲۲ق.

ـ ازدی، یزیدبن‌محمد، *تاریخ موصل*، تحقیق علی حبیبه، قاهره: بی‌نا، ۱۹۶۷م.

ـ اصفهانی، ابوالفرج، *الاغانی*، بیروت: دار الکتب العلمیه، بی‌تا.

ـ اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق احمد صقر، بیروت: دارالمعرفه، بی‌تا.

ـ الهی‌زاده، محمدحسن، *جنبش حسنیان*، ماهیت فکری و تکاپوهای سیاسی، قم: شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵ش.

ـ بلاذری، احمدبن‌یحیی، *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.

ـ حسن، ابراهیم حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۶۰ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

ـ حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
ـ خلیفه‌بن‌خیاط، *تاریخ خلیفه بن خیاط*، تحقیق فواز، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
ـ راوندی، قطب‌الدین، *الخرائج و الجرائح*، تحقیق مؤسسه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قم: مؤسسه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بی‌تا.
ـ ساعدی، محمدبن‌حسین، *الحسنیون فی التاریخ*، نجف: انتشارات نجف، ۱۹۵۶م.
ـ سبط‌بن‌جوزی، *تذکره الخواص*، بیروت: انتشارات مؤسسه اهل‌بیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۱ق.
ـ شامی، فضیلت، *تاریخ زیدیه در قرن دوم و سوم هجری*، ترجمه سیدمحمد ثقفی، علی‌اکبر مهدی‌پور، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۶۷ش.
ـ شریف مرتضی، علی‌بن‌حسین، *امالی مرتضی (غرر الفوائد و درر القلائد)*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار الفکر العربی، ۱۹۹۸م.
ـ طبری، محمدبن‌جریر، *تاریخ الرسل و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دارالمعارف، بی‌تا.
ـ عبدالله‌بن‌علی، *المسند، العلویون و العباسیون و دعوه آل البیت*، قاهره: دارالمنار، ۱۹۹۱م.
ـ عمر فوزی، فاروق، *العباسیون الاوائل*، بغداد: مطبقه جامعه بغداد، ۱۹۷۷م.
ـ الغریری (الغروای)، سامی، *الزیدیه بین امامیه و اهل سنه*، بی‌جا: دارلکتاب الاسلامی، ۲۰۰۶م.
ـ مجهول المؤلف، *اخبار الدوله العباسیه*، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت: دارالطلیعه، ۱۹۷۱م.
ـ مجهول المؤلف، *العیون و الحدائق فی‌اخبار الحقایق*، بغداد: مکتب المثنی، بی‌تا.
ـ مسکویه رازی، ابوعلی، *تجارب الامم*، ترجمه ابوالقاسم امامی، تهران: دارسروش، ۱۳۷۹ش.
ـ مسعودی، علی‌بن‌حسین، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، بیروت: دار اندلس، بی‌تا.
ـ مفید، محمدبن‌محمدبن‌نعمان، *ارشاد*، تحقیق مؤسسه آل‌بیت لتحقیق التراث، قم: المؤتمر العالمی لالفیه شیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
ـ نجفیان رضوی، لیلا، «بررسی چگونگی مناسبات حسنیان و امامان شیعه علیهم‌السلام تا سال ۱۴۵ هجری قمری»، *مطالعات تاریخ اسلام*، ش۱۶، سال ۵، بهار ۱۳۹۲.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]

ـ نجفیان رضوی، لیلا، *حیات سیاسی حسنیان تا سال ۱۴۵ هجری*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۴ش.
ـ النجم، مهدی عبدالحسین، *ثورات العلویین و اثرها فی نشو المذاهب الاسلامیه*، بی‌جا: مؤسسه بلاغ، ۲۰۰۲م.
ـ نمیری، عمربن‌شبه، *تاریخ المدینه المنوره*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، بیروت: دار التراث، ۱۴۱۰ق.
ـ الوجیه، عبدالسلام‌بن‌عباس، *اعلام المؤلفین الزیدیه*، عمان: مؤسسه الامام زیدبن‌علی الثقافیه، ۱۴۲۰ق.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-22]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.25.4.4]